

تاریخ و تمدن اسلامی، سال چهاردهم، شماره بیست و هفتم، بهار و تابستان ۱۳۹۷، ص ۹۷-۱۲۷

نظریه جنگ عادلانه و اخلاق مداری در جنگ در میان مسلمانان (بر پایه آداب الحربها)^۱

محمد نورمحمدی نجف‌آبادی^۲

دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی، قزوین، ایران

محسن معصومی

دانشیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

ابراهیم موسی‌پور بشلی

استادیار گروه تاریخ اجتماعی، بنیاد دایرة المعارف اسلامی، تهران، ایران

محمدحسین فرجیهای قزوینی

استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی، قزوین، ایران

چکیده

متون و آثار آموزشی نظامی (آداب الحربها)، به‌مثابه مهم‌ترین متون تخصصی نبرد تاکنون، در بررسی‌های تاریخ جنگ و خشونت جمعی در قرون میانی تاریخ اسلام چندان مورد توجه قرار نگرفته‌اند. این متون افزون بر داده‌های تخصصی مرتبط با جنگ، در بردارنده اطلاعات ارزشمندی درباره موضوعات و مسائل پیرامونی جنگ است. این منابع برای بررسی‌های تاریخی در حوزه اخلاق جنگ بسیار کارآمد و راه‌گشاست؛ آن‌چنان‌که می‌توان با غور در این دسته از میراث مکتوب اسلامی، تصویری از اخلاق جنگ و جنگاوری در تمدن اسلامی نیز به‌دست داد. در جهان امروز، دست‌کم از نیم قرن پیش به این سو پاره‌ای تلاش‌های نظری برای توجیه و توضیح چگونگی و چرایی جنگ‌ها به‌عمل آمده است. تولد نظریه‌هایی هم‌چون جنگ عادلانه از نتایج این تلاش‌هاست. در این مقاله، با تمرکز بر آداب الحرب‌های شناخته‌شده اسلامی ضمن معرفی نظریه جنگ عادلانه، انطباق آن با بایدها و نبایدهای اخلاقی جنگ از منظر مؤلفان این متون آموزشی نشان داده شده است. بر اساس این بررسی تاریخی به‌نظر می‌رسد جنگ عادلانه

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۲/۲۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۴/۲۵

۲. رایانامه، مسؤول مکاتبات: mnoormohammadi@gmail.com

پیشینه‌ای اسلامی نیز داشته است؛ افزون بر این، در این پژوهش به جنبه‌ها و وجوه دیگری از اخلاق جنگ در این آثار مکتوب قرون میانی تاریخ اسلام (قرن دوم تا قرن نهم هجری قمری) پرداخته شده که در قالب توصیه‌های اخلاقی به فرماندهان و جنگ‌جویان آمده است.

کلیدواژه‌ها: جنگ، متون آموزشی نظامی، اخلاق جنگ، جنگ عادلانه، آداب‌الحرب.

مقدمه

در قرون میانه اسلامی، همانند درازنای تاریخ بشر، جنگ عاملی تعیین‌کننده در تحدید و توسعه مرزها و انتقال قدرت و حکومت از سلسله‌ای به سلسله دیگر محسوب می‌شده است. در واقع هر کجا، حل و فصل منازعات سیاسی به شیوه مسالمت‌آمیز و در قالب نامه‌نگاری‌ها و تبادل سفیران کارساز نمی‌شد، جنگ آخرین راه‌حل برای رفع تنش بود. منابع تاریخ دوره میانه اسلامی آکنده از اخبار نبردهایی است که میان حکومت‌های مختلف شکل گرفته است. این نبردها سبب شد آثار گوناگونی درباره پدیده فراگیر و شایع جنگ در میان مسلمانان پدید آید. تحول در شیوه‌های نبرد و تکامل سلاح‌های جنگی و نیز مواجهه با نیروهای مهاجم، مانند مسیحیان و مغولان، موجب انباشت تجربه نبرد و فربه‌تر شدن دانش جنگ و موضوعات و مسائل مرتبط با آن در دوره میانه اسلامی شد. در کنار منابع تاریخی متنوعی که بخش‌های معتابهی از آنها به گزارش‌های مختلف جنگ‌ها اختصاص یافته، ادبیات محدودتر و تخصصی‌تری نیز در میراث مکتوب تمدن اسلامی شکل گرفته است که می‌توان عنوان متون تعلیمی نظامی بدانها داد. این ادبیات ابتدا^۳، به‌صورت غیرمستقل در دل

۳. پیش از نگارش نخستین آداب‌الحرب شناخته‌شده (مختصر سیاست الحروب اثر هرثمی شعرانی متعلق به دوره مأمون، خلیفه عباسی) بیشتر مباحث مرتبط با جنگ و مسائل و موضوعات مربوط به نبرد در دل متون فقهی و از آن مهم‌تر در آثاری که می‌توان آنها را نوعی سیاست‌نامه با رویکرد فقهی دانست، منعکس شده است. جریان تولید این متون هم‌زمان با روی کار آمدن هارون، خلیفه عباسی، آغاز شده و در دوره‌های بعدی ادامه یافته است.

سیاست‌نامه‌ها رخ نمود که در آنها راهبردهای کلان^۴ نبرد، برای حاکمان ترسیم می‌شد؛^۵ اما از اوایل دوره عباسی (دوره مأمون)، آثار آموزشی نظامی (آداب‌الحرب‌ها) به‌مثابه متون تخصصی نبرد پدید آمد. در تعریفی جامع و کل‌نگر، آداب‌الحرب‌ها آثاری مستقل درباره جنگ و مسائل آن‌اند که موضوعات مختلفی مانند اخلاق جنگ، سلاح‌ها، راهبردها^۶ و راه-کنشهای^۷ جنگی (آماده‌سازی، عملیات، آماد^۸ و پشتیبانی، امداد و نجات) را دربر می‌گیرند. عموم مؤلفان این آثار خود متخصص جنگ بوده‌اند. تألیف چنین متونی در سده‌های دوم تا اواخر نهم هجری، ادامه داشت و با تغییر الگوواره^۹ جنگی و به‌کارگیری سلاح گرم در میدان جنگ دست‌خوش تغییرات بنیادین شد.

باید به این نکته توجه داشت که در آثار آموزشی نظامی قرون میانه تاریخ اسلام، تمایزی میان جنگیدن با مسلمان یا غیرمسلمان دیده نمی‌شود. این مباحث را می‌باید اغلب در متون فقه سیاسی که در آنها احکام جنگیدن با مسلمان یا غیرمسلمان آمده است، جست‌وجو کرد؛ برای نمونه، ماوردی در ابتدای بحث درباره جهاد و تعریف و توضیح آن، نبرد مشروع را منحصر به نبرد با کفار عنوان کرده است.^{۱۰} به دیگر سخن، متون تعلیمی نظامی را باید متونی بسیار خنثی و عمدتاً کاربردی دانست که از سویه‌های دینی، مذهبی و کلامی خالی است؛ چنان‌که استفاده نویسندگان این متون از آیات و احادیث صرفاً جنبه تزئینی و گاه توجیهی دارد. این ویژگی سبب شده تا این متون عمدتاً، در پاسخ به پرسش چگونه جنگیدن تولید شده و در مقابل پرسش‌های چرا جنگیدن و با چه کسی جنگیدن،

4. Grand Strategy

۵. برای نمونه‌هایی از محتوای مرتبط با جنگ و مسائل آن در سیاست‌نامه‌ها نک. ماوردی، ۵۹؛ جاحظ، ۱۷۷ به بعد؛ خواجه نظام‌الملک، ۵۴؛ برای مواردی دیگر نک. ثعالبی، ۱۸۱؛ شیزری، ۲۷۲.

6. Strategy

7. Tactic

8. Logistics

9. Paradigm

۱۰. نک. ماوردی، ۴۷-۷۳؛ هم‌چنین برای بحث مشابه در این باره نک. ابی‌یعلی‌الفراء، ۴۱-۴۳.

ساکت باشند. مؤلفان آداب‌الحرب‌ها آموزش رزم با دشمن را توضیح داده‌اند و مقصود آنان از دشمن در بستر معنایی ملموس، عینی و کاربردی نیرویی است که در مقابل سپاه خودی صف‌آرایی کرده است (معنای فنی دشمن). بنابراین، در این متون مطلبی در باب مسائل پیشینی رویداد جنگ دیده نمی‌شود.

پرشماری نسبی آداب‌الحرب‌ها، عدم نقد و انتشار نسخ خطی این گونه از نوشته‌ها و پراکندگی‌شان در جای‌جای سرزمین‌های اسلامی بررسی و تحلیل آنها را با دشواری مواجه کرده است.^{۱۱} افزون بر اینها، حفظ و بازتولید محتوای آموزشی متعلق به الگوواره پیشین جنگ، با ورود سلاح گرم به میدان نبرد و تغییر الگوواره^{۱۲} جنگی عملاً موضوعیت خود را از دست داده است؛ از این رو، فرایند تولید محتوای این آثار، دست‌کم از اواخر قرن نهم هجری به این سو، با انقطاع روبه‌روست؛ با وجود چنین انقطاعی، چیزی از اهمیت و اعتبار این آثار به‌ویژه در تدوین تاریخ جنگ در تمدن اسلامی و ترسیم چهره واقعی رویداد جنگ در قرون میانی اسلام کاسته نمی‌شود. این منابع افزون بر فایده اصلی در مطالعه تاریخ اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و تشکیلاتی اسلام نیز کارآمدند. از این رو، در نوشتار حاضر شماری از مهم‌ترین متون آموزشی نظامی انتشار یافته انتخاب شده تا از طریق بررسی محتوای آنها، اخلاق جنگ در این منابع بررسی شود.

ضرورت مطالعه اخلاق جنگ از خلال آداب‌الحروب اسلامی از آن روست که این متون به‌عنوان دستورالعمل‌های جنگی مسلمانان به واقعیت رقم‌خورده جنگ، در قیاس با دیگر متون، نزدیک‌تر است. در نتیجه مطالعه حاضر، سنت اخلاق جنگ در تمدن اسلامی را می‌توان به‌عنوان بخشی از پیشینه نظریه جنگ عادلانه که عمدتاً غربی است، قلمداد کرد. بیشتر تحقیقات موجود به زبان فارسی در این باب اغلب مبتنی بر قرآن، حدیث و متون ادبی

۱۱. برای نمونه نک. فهرست الفیاض و عبدالغنی، ۹-۲۴؛ که تنها درباره متون تعلیمی نظامی مربوط به کمان و فروسیه، (اعم از چاپ‌شده و نسخه خطی) است.

12. Paradigm Shift

نظریه جنگ عادلانه و اخلاق مداری در جنگ در میان مسلمانان (بر پایه آداب الحربها) ۱۰۱/

است؛ برای مثال می‌توان بدینها اشاره کرد: مقاله حاج اسماعیلی و حبیب‌اللهی با عنوان «بررسی و تحلیل نظری اخلاق جنگ در قرآن و حدیث»؛ پژوهش محلاتی با نام «اخلاق جنگ در متون ادبی و حماسی فارسی» و مقاله «اخلاق نظامی پیامبر (ص) در جنگ» از سمیه باقری و لیلا محمدی‌بخش. از این رو، در این پژوهش، با رویکردی تاریخی، انطباق نظریه جنگ عادلانه، با نگرش حاکم بر اخلاق جنگ در متون آموزشی نظامی در دوره اسلامی، جست‌وجو و پیشینه این سنت در جهان اسلامی بررسی شده است. این مطالعه را در دو بخش سامان یافته: بخش نخست حاوی موضوعاتی است که ظاهراً با بخش‌هایی از نظریه جنگ عادلانه سازگاری دارد و در آن نشان داده خواهد شد که اخلاق جنگ منعکس در متون آموزشی نظامی دوره اسلامی با دیدگاه جنگ عادلانه نزدیکی چشم‌گیری دارد؛ بخش دوم حاوی برخی از مهم‌ترین بایدها و نبایدهای اخلاقی است که نویسندگان آداب‌الحرب‌ها بر توجه بدانها در رویداد جنگ تأکید ورزیده‌اند. این بخش، اگرچه بیرون از نظریه جنگ عادلانه قرار می‌گیرد، در شمار اخلاق جنگ بوده و عبارت است از توصیه‌های اخلاقی به فرماندهان جنگ، توصیه‌های اخلاقی به رزمندگان و تأکید بر اصل مشورت.

اخلاق جنگ و ساحت‌های آن

عبارت «اخلاق جنگ» عنوانی متناقض است. این اصطلاح که بیش از نیم قرن از طرح و وضع آن نمی‌گذرد، متضمن مسائل و موضوعاتی است که به رعایت موازین اخلاقی در میدان نبرد و جنبه‌های مختلف آن بازمی‌گردد.^{۱۳} در این زمینه از دو بعد می‌توان سخن گفت: نخست، کیفیت و چگونگی آغاز نبرد و دوم، چگونگی اداره و ادامه آن.^{۱۴} بخش

۱۳. به‌گفته یکی از محققان: «ددمنشی هم‌چنان ادامه‌دار در جنگ، برخلاف کنوانسیون‌ها و دادگاه‌های بین‌المللی، عده‌ای را به این باور می‌رساند که به‌کارگیری اخلاق در مورد جنگ کاری نشدنی است» (برای اطلاع از نظرات موافق و مخالف در این باب نک. موزلی، ۵۵-۵۶).

۱۴. محلاتی، ۹۴-۹۵.

نخست موضوعات و مسائلی مانند توجیه شروع جنگ، مسأله فرماندهی مشروع، جنگ و صلح و... را در بر می‌گیرد و بخش دوم درباره موضوعاتی هم‌چون چگونگی نبرد، جنگ و غیرنظامیان، استفاده از سلاح‌ها در نبرد از حیث میزان کشتار و تلفات، اسرای جنگی و... است.^{۱۵} امروزه، بخش چشم‌گیری از این بایدها و نبایدهای اخلاقی در جنگ، با تصویب مراجع و مجامع جهانی در زمره حقوق و قواعد بین‌المللی درآمده که از آن با عنوان حقوق بشردوستانه یا حقوق جنگ تعبیر می‌شود.

تلاش‌های نظری متفکران حوزه‌های مختلف علوم انسانی برای تبیین نسبت اخلاق با جنگ، آوردگاه نظریات مختلفی است که همگی در ذیل عنوان اخلاق جنگ جای می‌گیرد. در این بین، نظریه جنگ عادلانه را می‌توان مهم‌ترین و تأثیرگذارترین این نظریه‌ها دانست.^{۱۶} ادعای اصلی این نظریه آن است که جنگ فی‌نفسه و بالکل بد و غیراخلاقی نیست؛ بلکه جنگ در مواردی خاص و تحت شرایطی شایسته، نیکو و کاملاً عادلانه و از لحاظ اخلاقی کاملاً توجیه‌پذیر است.^{۱۷} این نظریه با تکیه بر عدالت، به‌عنوان غایتی اخلاقی، می‌کوشد تا اخلاقی بودن جنگ را در صورت تحقق عدالت در آن توجیه کند. در این نظریه عادلانه بودن نبرد در سه سطح عدالت هنگام شروع نبرد، عدالت در حین نبرد و عدالت در پایان جنگ و انعقاد صلح طرح می‌شود.^{۱۸} سطح نخست در بردارنده مواردی هم‌چون هدف عادلانه داشتن در جنگ، قصد و نیت صحیح از نبرد، حاکمیت قانونی دولت و اعلان عمومی وضعیت جنگی، توسل به جنگ به‌عنوان آخرین راه‌حل و وجود احتمال موفقیت در جنگ است. در سطح دوم مواردی مانند پیروی از قوانین بین‌المللی، عدم تعرض به غیرنظامیان، عدم استفاده از سلاح‌های غیرمتعارف و کشتار جمعی و روش‌های افراطی، خوش‌رفتاری با اسیران

۱۵. همانجا.

۱۶. بسیاری بنیان این نظریه را که به‌عنوان یکی از تأثیرگذارترین نظریه‌ها در حوزه اخلاق جنگ طرح شده است، به سنت آگوستین نسبت داده‌اند (نک. Walzer, p.125).

۱۷. حاج اسماعیلی و حبیب‌اللهی، ۳۳.

18. Orend, 5.

نظریه جنگ عادلانه و اخلاق مداری در جنگ در میان مسلمانان (بر پایه آداب الحربها) / ۱۰۳

جنگی و پرهیز از انتقام‌جویی و کشتن اسرا بررسی می‌شود و در سطح سوم با مباحثی مانند نحوه اعلام صلح، دفاع از حقوق کسانی که در جنگ صدمه دیده‌اند، تبعیض در مجازات، مجازات متجاوز، جبران خسارت و اصلاحات و تجهیز دوباره مواجهیم.^{۱۹}

به گفته موزلی: «نظریه جنگ عادلانه سروکارش با توجیه چگونگی و چرایی جنگ‌هاست. این توجیه می‌تواند نظری یا تاریخی باشد. وجه نظری موضوع مربوط می‌شود به توجیه اخلاقی جنگ و آشکالی که جنگ‌ها باید به خود بگیرند یا نگیرند. وجه تاریخی موضوع یا سنت جنگ عادلانه به مجموعه قواعد یا توافقاتی می‌پردازد که در مورد جنگ‌های گوناگون در طول قرون و اعصار به کار گرفته شده است».^{۲۰}

برخی از موضوعات و مسائل فوق به مقتضیات دنیای امروز تعلق دارد و طرح آنها بر مفاهیم جدید استوار است.^{۲۱} بنابراین، نمی‌توان انتظار داشت که این نظریه با دیدگاه آداب‌الحروب اسلامی در باب اخلاق جنگ دقیقاً، این‌همانی داشته باشد. با این حال، می‌توان دیدگاه این متون در توضیح نسبت اخلاق و جنگ را با نظریه جنگ عادلانه، دست‌کم در کلیت و بخش‌های اصلی، یکی انگاشت.

بخش نخست: بازشناسی سنت جنگ عادلانه در متون تعلیمی نظامی

الف. اصالت صلح و عدالت هنگام شروع نبرد. بر اساس رویکرد کلی آداب‌الحرب‌ها، نبرد امری مذموم انگاشته شده و صلح به‌طور جدی، بر آن رجحان یافته است. این رجحان برآمده از خاستگاه دینی و منطبق بر آموزه‌های اسلامی است؛ در این متون نبرد در مواقعی

۱۹. برای اطلاع بیشتر نک. حاج اسماعیلی و حبیب‌اللهی، ۳۳-۳۵.

۲۰. موزلی، ۵۱.

۲۱. این نظریه در قرن بیستم به‌طور جدی مورد توجه قرار گرفت؛ این توجه نتیجه واکنش به اختراع سلاح‌های اتمی و درگیر شدن آمریکا در جنگ ویتنام بود. مهم‌ترین متون در این باب، مانند جنگ‌های عادلانه و ناعادلانه مایکل والزر، اخلاق جنگ برایه پاسکینر و مایکل داکریل، اخلاق، کشتار و جنگ ریچارد نورمن، جنگ و عدالت بین‌المللی برایان اورند و در باب جنگ و عدالت مایکل والزر، عمدتاً در جهان غرب پدید آمده‌اند (نک. همان، ۵۴).

که شکل تدافعی به خود می‌گیرد توجیه‌پذیر و قابل قبول است. اگر چه در واقع نبردهای مختلف در طول دوره اسلامی وفاداری به این اصل را به چالش می‌کشد، از منظر قرآنی و روایی به نظر می‌رسد که صلح، دست‌کم در مقام نظر، در اندیشه دینی و ایدئولوژی اسلامی اصلی پذیرفته بوده است؛^{۲۲} حتی در دوره فتوحات، به‌ویژه در ایران، بیش از آن‌که با نبردهای پی‌درپی روبه‌رو باشیم، با عهدنامه‌هایی مواجهیم که در آنها سعی می‌شد با توسل به روش‌های مسالمت‌آمیز منافع اقتصادی و اجتماعی دو طرف، یعنی اعراب و ایرانیان، تأمین شود.^{۲۳} به نظر می‌رسد همین رویکرد عملی در اردوکنشی‌های نظامی، به متون آموزشی جنگ راه یافته و صلح بر درگیری‌های خونین و کشتار مقدم انگاشته شده است. اساساً ماهیت آداب‌الحرب‌ها ایجاب می‌کرد که محتوای این آثار درباره نبرد و مسائل مرتبط با آن باشد؛ بر این اساس بیشتر محتوای این متون درباره جنگ، نه صلح، به‌مثابه اساس و شالوده اصلی آنهاست؛ اما با وجود چنین توجهی، جنگ به‌شکل بی‌محابا و خشونت‌آمیز، ترویج نشده، و صلح تا آنجا که ممکن بود، بر نبرد مقدم فرض می‌شد. توصیه‌های موجود در باب اخلاق و آداب جنگ در آداب‌الحرب‌ها از نگاهی برمی‌خیزد که با آموزه‌های اسلامی مندرج در منابع فقهی، حدیثی و تفسیری انطباق دارد. این نگاه ضمن پروراندن روحیه شجاعت و جنگاوری در میان رزمندگان ورود به جنگ را مشروط و مقید می‌داند. از ابتدای شکل‌گیری گونه آداب‌الحرب‌نویسی در تمدن اسلامی و در نخستین نمونه‌های آن، می‌توان محتوای مؤید این رویکرد را بازشناخت؛^{۲۴} با این توضیح که این محتوا در قیاس با بخش‌های دیگر چندان فربه و عمیق نیست.

۲۲. برای بحثی تفصیلی درباره نظرات مختلف در باب اصالت جنگ یا صلح در اسلام (نک. برزنونی، ۷۷-۱۵۷).

۲۳. برای آشنایی با صلح‌گرایی مسلمانان از خلال عهدنامه‌های اعراب و ایرانیان در دوره فتوحات (نک. فروشانی، ۵۰-۱۱۹).

۲۴. در این باره نک. ادامه مقاله.

فخر مدبر ملقب به مبارک‌شاه (اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم هجری) در آداب الحرب و الشجاعه علاوه بر توصیه‌هایی اخلاقی صلح را بر جنگ مقدم دانسته و پیش از پرداختن به جزئیات و مسائل متعلق به نبرد، در فصلی با عنوان «اندر مشورت کردن در حرب تا ممکن گردد حرب ناکردن»^{۲۵} مباحثی را مطرح کرده که طی آن سلطان و حاکم را موظف می‌کند تا حد ممکن تدابیری اتخاذ کند که از بروز جنگ جلوگیری به عمل آید. از نظر او «حرب کردن خود شیئی تلخ است» و هرکه برای آغاز نبرد اصرار داشته باشد در نهایت خوار خواهد شد. فخر مدبر معنای جنگ را «رفتن جان و مال» شمرده و خشنودی خداوند از پادشاه را در این دانسته است که «حرب تا بتواند و ممکن گردد نباید جست، که نتوان دانست که ظفر که را باشد». دیدگاه فخر مدبر در حوزه اخلاق جنگ قابل توجه است.^{۲۶} در میان آثار بررسی شده در پژوهش حاضر، شاید بتوان او را نخستین مؤلفی دانست که برای اولین بار چنین رویکردی را مطرح ساخته است.^{۲۷} از دیدگاه او صلح بنا بر چندین دلیل بر نبرد برتری دارد: نخست آن که جان و مال پادشاه و مردم در امان خواهد ماند؛ دوم آن که خشنودی خداوند در آن است که تا حد امکان از جنگ پرهیز شود و سوم آن که مشخص نیست در نبرد چه کسی پیروز میدان خواهد بود.^{۲۸} این رویکرد در حوزه اخلاق جنگ با نوعی هوشمندی معطوف به نتیجه (پیامدگرایانه) در جنگ گره خورده است. این سخن بدین معناست که پیروزی آغازگر جنگ، هر آن قدر که قدرتمند باشد، متأثر از عواملی متنوع و متعدد و وضع و حالی نامعلوم است؛ از این رو، نمی‌توان پیروزی را قطعی قلمداد کرد. پس بهتر آن است که از جنگ اجتناب و درگیری و چالش با صلح، یا روش‌های مسالمت‌آمیز، مرتفع شود.

۲۵. نک. فخر مدبر، ۱۶۴ به بعد.

۲۶. همانجا.

۲۷. نک. نوین، ۲۴-۲۹؛ مدیری، ۴۱-۵۱.

۲۸. نک. همان، ۱۶۴.

فخر مدبر، برای تشویق حاکم به صلح، او را به مشورت گرفتن از افراد خبره و کاردان توصیه کرده و در این باره به داستانی از انوشیروان استناد کرده است.^{۲۹} نکته‌ای که در آداب الحرب و الشجاعه^{۳۰} بسیار بر آن تأکید شده، اصرار مؤلف به استفاده از آوردن شواهد و نمونه‌هایی از فرهنگ ایرانی و داستان‌های انوشیروان و بوذرجمهر در تبیین اخلاق جنگ است. او از عبارت «روزگار پیشین»^{۳۱} استفاده و سپس داستان‌هایی از همان روزگار، یعنی انوشیروان، بیان کرده است. در همین بخش، فخر مدبر به یکی از راه‌کارهای مؤثر برای اجتناب از جنگ، یعنی تبادل سفرا، اشاره دارد و در این باره به تبادل سفرا میان دربار «هند و ایران» و «روم و ایران» پرداخته که در هر دو پیروزی مذاکرات از آن ایران بوده است.^{۳۲} شرح مذاکرات سفیران هر دو طرف قابل توجه است؛ چنان‌که درون‌مایه مذاکرات میان دربار هند و ایران و روم و ایران مباحث علمی را در بردارد، نه موضوعات سیاسی. به نظر می‌رسد تفوق علمی سفیران در مذاکرات تفوق سیاسی را رقم می‌زده است. به دیگر سخن، الگوی پیشنهادی فخر مدبر در حل و فصل منازعات، بهره‌گیری از راه‌کارهای مسالمت‌جویانه با تأکید بر میراث ایرانی است. در پایان این مبحث فخر مدبر به شیوه‌ای عقلانی به نتیجه‌گیری پرداخته و این‌گونه آورده است: «... خون ریختن بدترین کارهاست و هیچ خردمندی نجوید و بدین رضا ندهد ... و (ایزد) مردم را که بیافرید او را دو گونه آلت داد تا شر و بلا از خویشتن دفع کند: یکی پنهان و دیگر آشکارا. آنچه آشکار است سلاح است از آهن و چوب و سنگ و جز آن و آنچه پنهان است دانش و عقل و رأی و تدبیر است و بهترین سلاح‌ها آن است که غرض به وفا رسد و همه مراد حاصل گردد از آن‌که خون باید ریخت و

۲۹. همانجا.

۳۰. مشخصات کتاب‌شناسی این اثر: فخر مدبر، محمدبن منصور بن سعید، آداب الحرب و الشجاعه، به سعی و اهتمام احمد سهیلی خوانساری، تهران، اقبال، ۱۳۴۶ ش.

۳۱. نک. همان، ۱۶۹.

۳۲. نک. همان، ۱۶۹-۱۷۱.

نظریه جنگ عادلانه و اخلاق مداری در جنگ در میان مسلمانان (بر پایه آداب الحربها) / ۱۰۷

وزر و وبال در گردن گرفت که پس از کفر هیچ وزر و وبالی و بزهی بدتر از خون ریختن نیست».^{۳۳}

عباسی (اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم هجری) در آثار الاول^{۳۴} نیز، ارجحیت صلح بر نبرد را توضیح داده است. او در بخشی از اثر خود جنگ را به بیماری تشبیه کرده و آن را نمونه‌ای از کاستی‌ها و معضلات موجود در جامعه دانسته و با تشبیه امنیت و صلح به سلامت آن را برای مردم، جامعه و دولت مانند لزوم تن‌درستی برای بدن ضروری قلمداد کرده است.^{۳۵} عباسی در ادامه آورده است که باحزم‌ترین حکمرانان برای حل مناقشات با دشمنان خود تا زمانی که راهی جز جنگ وجود داشته باشد، به نبرد به مثابه یک راه‌کار نمی‌نگرند.^{۳۶} سپس به کلامی از معاویه استناد کرده که براساس آن جنگ به‌عنوان آخرین راه‌حل معرفی شده است: «شمشیرم را در جایی که می‌توان شلاق را جایگزین آن کنم، استفاده نمی‌کنم و نیز شلاقم را در جایی که می‌توان کلام و گفت‌وگو را جایگزین آن کرد، به کار نمی‌بندم».^{۳۷} صراحت عباسی در مذمت نبرد در ابتدای ورود به بخش اصلی اثرش قابل توجه می‌نماید. تشبیه جنگ به بیماری و نیز تشبیه صلح و امنیت به سلامتی کاملاً تلقی او از جنگ و صلح را نشان می‌دهد. صاحب آثار الاول هزینه نبرد را از دست‌دادن انسان‌هایی دانسته که جایگزین کردن آنها کاری دشوار است. در این کلام احترام به انسانیت و طرح معنایی مترقی از خسارت اصلی در جنگ‌ها در قالب نابودی سرمایه انسانی مشهود است.

۳۳. همان، ۱۷۳-۱۷۴.

۳۴. مشخصات کتاب‌شناسی این اثر: عباسی، حسن بن عبدالله، آثار الاول فی ترتیب الدول، تحقیق عبدالرحمن عمیره، بیروت، دارالجیل، ۱۴۰۹/هـ/۱۹۸۹م.

۳۵. عباسی، ۳۲۸.

۳۶. همانجا.

۳۷. همانجا.

در آثار ابن منکلی (قرن هشتم) نیز توجه به صلح و تأکید بر آن به خوبی دیده می‌شود. او در التدبیرات السلطانیة^{۳۸} بر اهمیت صلح تأکید کرده و آن را ضامن بقای امنیت مردم دانسته است. ابن منکلی در بخش ۳۵ التدبیرات که «خودداری از جنگ و طلب صلح برای پشتیبانی از امنیت مردم» نام دارد رویکرد خود را در تبیین نسبت جنگ و صلح و اهمیت آن آورده است. در دیدگاه او سلطان پیش از آن که خود را درگیر جنگ تمام‌عیار با دشمن کند، می‌باید از طریق مذاکرات درصدد برقراری صلح برآید و اگر این راه حل کارساز نشد، با تمام قوا با نیروهای دشمن به کارزار پردازد.^{۳۹} اولویت ابن منکلی هم‌چون بیشتر مؤلفان متون آموزشی نظامی برقراری صلح و تأمین امنیت است. او برای صلح دو مزیت و برتری برشمرده که عبارت است از: پیروی از سنت، ترک ستم و جلوگیری از جنگ.^{۴۰} مورد نخست تأثیر آموزه‌های اخلاقی اسلام و پیامبر(ص) را در نگاه مؤلف آشکار می‌سازد؛ از این رو، او به‌عنوان نخستین مزیت صلح هم‌خوانی و هماهنگی آن با سنت را مورد تأکید قرار داده است. مورد دوم ناظر به هزینه‌های سنگین و تأمین مخارج بسیار جنگ است که معمولاً بر مردمان فرودست تحمیل و درواقع ستمی آشکار را سبب می‌شد.

آن‌چه کلام ابن منکلی را در این باب نسبت به مؤلفان پیش از او متفاوت می‌کند تبیین چگونگی صلح و توجه سلطان به انعقاد صحیح آن است. او پس از برشمردن مزیت‌های صلح گفته که سلطان باید درستی ادعای طرف مقابل را درباره درخواست صلح بررسی کند و در صورت وجود نیرنگ و حيله جنگ اجتناب‌ناپذیر خواهد بود.^{۴۱} ابن منکلی در بخشی دیگر از التدبیرات گفته که جایز نیست مسلمانان آغازگر جنگ باشند.^{۴۲} او در این باب به

۳۸. مشخصات کتاب‌شناسی این اثر: ابن منکلی، «التدبیرات السلطانیة فی سياسة الصناعة الحریبة»، تحقیق صادق محمود الجمیلی، المورد، شماره ۴۸، زمستان ۱۳۶۲ش.

۳۹. ابن منکلی، التدبیرات، ۳۴۵.

۴۰. همانجا.

۴۱. همانجا.

۴۲. همان، ۳۴۴.

نظریه جنگ عادلانه و اخلاق مداری در جنگ در میان مسلمانان (بر پایه آداب الحربها) / ۱۰۹

رفتار حضرت موسی(ع) در هنگام مواجهه با ساحران اشاره کرده و در پایان نتیجه گرفته که آن که سرکش و طغیان‌گر است، جنگ را شروع می‌کند.

جنگ و صلح در طول قرون میانه اسلامی دو روی یک سکه بوده‌اند. در مقام عمل و در گاه منازعه‌ها شاید صلح کمتر از جنگ مورد توجه بوده است؛ اما در مقام نظر، آداب الحربها به عنوان متون تخصصی حوزه جنگ، برای صلح ارجحیت قائل بوده‌اند. صلح و تأکید بر جنگ عادلانه را به تصریح نمی‌توان در محتوای تمامی متون تعلیمی نظامی مشاهده کرد؛ اما روح حاکم بر محتوای این آثار تلویحا، به سمت جنگ خشونت‌آمیز و بی‌رحمانه متمایل نیست و این خود می‌تواند نشان‌دهنده رویکرد صلح‌گرا و اخلاق‌مدار مؤلفان به گاه سخن درباره نبرد باشد. سطوح مختلف آداب الحربها از لحاظ کیفیت اثر در بود و نبود محتوای مرتبط با اخلاق جنگ نیز حائز اهمیت است. سبب این‌که مؤلفی چون محمد الرشیدی در تفریح الکرוב^{۴۳}، به عنوان یکی از آخرین نویسندگان متعلق به الگوواره سنتی جنگ، به بحث نظری درباره برتری صلح بر جنگ پرداخته شاید آن باشد که او اساسا رویکردی نظری به جنگ و صلح ندارد و تألیف او یک جمع‌آوری صرف در قالب دستورالعملی جنگی است؛ اما در آثاری مانند آداب الحرب، آثار الاول، التدبیرات رگه‌هایی از نظریه‌پردازی در باب جنگ و صلح مشاهده می‌شود. به دیگر سخن آن‌چه در این بخش به آن پرداخته شده از جمله مباحثی است که باید در آثار مؤلفانی دنبال شود که آثار آنان نقاط عطف سیر آداب الحرب نویسی در قرون میانه اسلامی است.

ب. عدالت در هنگام جنگ. این بخش مربوط است به خوش رفتاری با غیر نظامیان و اسرای

۴۳. مشخصات کتاب‌شناسی این اثر: محمد الرشیدی، محمد، تفریح الکرוב فی تدبیر الحروب، تحقیق عارف احمد عبدالغنی، دمشق، دارکنان للطباعة والنشر والتوزیع، ۱۴۱۵/هـ/۱۹۹۵م.

جنگی^{۴۴} و پرهیز از رفتارهای افراطی و ممنوعه. در آداب‌الحرب‌ها به سبب موضوع و ماهیت این‌گونه آثار، به‌طور مفصل به این مباحث پرداخته نشده و اساساً این‌گونه داده‌ها را می‌باید در متون فقهی و حدیثی جست‌وجو کرد.^{۴۵} با این حال، در آداب‌الحرب‌ها اشاراتی هر چند مختصر، به این موضوعات موجود است؛ برای نمونه هرثمی شعرانی در مقدمه مختصر سیاست‌الحروب^{۴۶} به برخی از این مسائل اشاره کرده است؛ از جمله آن‌که بعد از پیروزی می‌باید به دشمن و اسیران آن رحم و از قتل و کشتار جلوگیری کرد، آب را نباید به روی دشمن بست و...^{۴۷}

مؤلفان این آثار تأکید دارند که در عین حال که سلطان، فرماندهان و رزمندگان باید در نبرد شدت عمل به خرج دهند و شجاعانه بجنگند پس از غلبه، نباید دشمن را تارومار و قلع و قمع کنند. در مختصر سیاست‌الحروب هرثمی شعرانی، در بخشی که به وظایف فرمانده و رزمندگان در هنگام عقب‌نشینی و فرار دشمن اختصاص دارد، تأکید شده که نباید نیروهای

۴۴. اگرچه خوش‌رفتاری با اسرا و پرهیز از انتقام‌جویی و کشتن آنان مقولاتی است که در پایان عملیات نظامی در جنگ‌ها موضوعیت می‌یابد و ظاهراً از موارد مربوط به پس از نبرد است، به سبب آن‌که در صورت‌بندی نظریه جنگ عادلانه در بخش دوم (عدالت در هنگام جنگ) جای‌گرفته است، نمونه‌های مرتبط منعکس شده در آداب‌الحرب‌ها نیز در این بخش بررسی می‌شود. در نظریه جنگ عادلانه چنانکه پیش از این نیز توضیح داده شد، بخش عدالت هنگام نبرد به مواردی مانند پیروی از قوانین بین‌المللی، عدم تعرض به غیرنظامیان، عدم استفاده از سلاح‌های غیرمتعارف و کشتار جمعی و روش‌های افراطی، خوش‌رفتاری با اسیران جنگی و پرهیز از انتقام‌جویی و کشتن اسرا اختصاص دارد (در این باره نک. پژوهش حاضر، ۵).

۴۵. برای اشاراتی درباره خوش‌رفتاری با غیرنظامیان و اسرا در متون فقهی، حدیثی و تاریخی نک. طوسی، النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی، ۲۹۳؛ همان، المبسوط فی فقه الامامیه، ۱۳/۲، ۱۹؛ حلی، السرائر الحاوی، ۷/۲؛ همان، شرائع الاسلام، ۲۷۹/۱، ۲۸۳؛ کلینی، ۲۸/۵؛ ابن‌هشام، ۶۴۹/۱؛ واقدی، ۱۰۷/۱؛ ابن‌کثیر، ۳۱۰/۳؛ هم‌چنین، برای اطلاع تفصیلی درباره اسیر و احکام آن در اسلام نک. میرشریفی، ۱۲۱ به بعد.

۴۶. مشخصات کتاب‌شناسی این اثر: هرثمی الشعرانی، مختصر سیاست‌الحروب، تحقیق عبدالرؤف عون، بی‌جا، الموسسه المصریه العامه للتالیف و الترجمه و الطباعه و النشر، بی‌تا.

۴۷. نک. هرثمی شعرانی، ۱۵.

دشمن را از آب و استفاده از آن منع کرد.^{۴۸} صاحب التذکره الهرویه در بخشی باعنوان «خویشتن داری و بردباری پس از رسیدن به قدرت و توانایی و...»^{۴۹} به لزوم حلم و بردباری و گذشت سلطان (در هنگام غلبه و پیروزی بر دشمن) اشاره کرده است. این توصیه دلالتی عام دارد و ناظر به تمامی موقعیت‌هاست؛ با این حال، ذکر آن در خلال مباحث مربوط به جنگ نشان‌دهنده آن است که مؤلف عملی کردن آن را در موقعیت‌های جنگی نیز مؤثر می‌دانسته است: «بر پادشاه لازم است زمانی که سعادت و توفیق به او روی کرد، بردباری و قدرت را توأمان به کار بندد و...»^{۵۰} مؤلف این اثر هم‌چون سنت سیاست‌نامه‌نویسان پیامد حلم و بردباری سلطان را بقای حکومت و جذب بیشتر افراد و در نتیجه استمرار و تداوم حکومت سلطان دانسته است. هم‌چنین مؤلف التذکره الهرویه در همین بخش چشم‌پوشی سلطان را نشانه قدرت، و عدم به‌کار بستن این فضیلت اخلاقی را نشان ضعف و سستی او قلمداد کرده است.^{۵۱}

مؤلفان متون آموزشی نظامی رعایت اصول انسانی هنگام تعقیب دشمن را نیز یادآور شده‌اند. بر این اساس نباید در هنگام تعقیب، دشمن را از آب منع کرد؛ البته در بیان محمد الرشیدی این رفتار تنها ناظر به جنبه‌های اخلاقی و انسانی نیست؛ بلکه نکته نظامی ظریفی نیز در آن نهفته است: «... باید دانست که هیچ‌یک از لشگریان نباید با بزرگان سپاهیان گریزان دشمن رویارو شوند یا راهشان را ببندند یا از دسترسی به آب مانعشان شوند؛ چرا که شکست خورده چون خود را در آستانه هلاکت ببیند، با تمام توانش حمله خواهد کرد و از بیم

۴۸. نک. هرثمی شعرانی، ۴۸.

۴۹. نک. هروی، ۲۵؛ هم‌چنین ترجمه قاندان، ۲۰۲.

۵۰. همانجاها.

۵۱. همانجاها.

هلاک سخت خواهد جنگید. در این حال، باید که آزادشان گذارند و سپس از کناره‌ها احاطه‌شان کنند و در مجموع ایستادن در راه گریزندگان به صلاح نیست».^{۵۲}

در برخی از آداب‌الحرب‌ها اشارات مختصری به نحوه رفتار با اسیران جنگی موجود است؛ برای نمونه فخر مدبر درباره رفتار با اسرا گفته است که اگر فردی از دشمن امان خواست و اسیر شد، باید با او با مهربانی و عطوفت رفتار کرد «و در کشتن ایشان درنگ باید کرد و تعجیل نمود».^{۵۳} با این حال، او در جایی دیگر حکمران را مجاز دانسته هر آن‌گونه می‌خواهد با اسرا رفتار کند: «... و اگر اسیران در دست افتاده باشند خواهد بکشد، خواهد بنده کند و خواهد آزاد کند، بگذارد تا خدمت مسلمانان کنند و روا نباشد که به‌دار حربشان باز فرستد...».^{۵۴}

ج. عدالت پس از جنگ. در آداب‌الحرب‌ها مطلب گسترده‌ای مرتبط با این محور مهم نظریه جنگ عادلانه دیده نمی‌شود. این امر از آن روست که موضوعات و مصادیق محور سوم نظریه جنگ عادلانه، بیشتر ناظر به اقدامات پس از جنگ با مقتضیات دنیای جدید بوده و طبیعی است که متون متعلق به دوره میانی تاریخ اسلام که به جنگ و موضوعات آن اختصاص دارد، تقریباً به توضیح رفتار پس از جنگ از جنبه اخلاقی نپرداخته‌اند و توصیه‌های آنان معطوف به بایدها و نبایدهای پس از نبرد شامل نکات نظامی است.^{۵۵}

۵۲. محمد الرشیدی، ۱۰۷؛ نیز نک. هرثمی شعرانی، ۴۸؛ عباسی، ۳۵۶؛ قابوس بن وشمگیر، ۲۲۵.

۵۳. فخر مدبر، ۳۴۵.

۵۴. همان، ۴۰۱-۴۰۲.

۵۵. برای اطلاع از این نکات نظامی در باب تجهیز دوباره سپاه نک. هرثمی شعرانی، ۵۵-۵۶؛ فخرمدبر، ۴۶۰-

۴۶۴؛ ابن منکلی، التدبیرات السلطانیة، ۳۳۴؛ هم‌چنین، نک. مقریزی، ۳۳/۲.

بخش دوم، توصیه‌های اخلاقی و اصل مشورت

الف. توصیه‌های اخلاقی به سلطان و فرمانده. این توصیه‌ها با ارائه راهبردها یا راهکنش‌های مختلف جنگی و توضیح کاربرد آنها در میدان نبرد متفاوت است. باید این توصیه‌ها را که درون‌مایه‌ای اخلاقی دارد در زمینه‌ای از آموزه‌های اسلامی بازجست. بر طبق این توصیه‌ها فرمانده نباید کسب پیروزی از طریق توسل به هر راه و ابزار و وسیله‌ای را هدف خود قرار دهد و باید توجه ویژه‌ای به حفظ آرامش و تأمین احتیاجات نیروهای خود داشته باشد. تأکید مکرر آداب الحربها بر این قبیل توصیه‌ها اهمیت فراوان این بخش را در نگاه مؤلفان این آثار باز می‌نماید.

شاید مهم‌ترین دلیل وجود چنین گزاره‌هایی در این قبیل آثار که بر باید‌ها و نبایدهای اخلاقی در جنگ انگشت می‌گذارد توجه مؤلفان آنها به رفتار پیامبر اسلام (ص) به عنوان فرمانده جنگی است. این توجه در اتخاذ رویکرد اخلاق‌مدارانه در جنگ بی‌تأثیر نبود. ماهیت و اساس دعوت نبوی شرایط و ضوابط ویژه‌ای را برای فرمانده و فرماندهی وضع می‌کرد که بیشتر بر رعایت اخلاق، مساوات و برابری استوار بوده است.^{۵۶} نگاه دین‌محور به امر فرماندهی و این‌که فرمانده در مقام رهبری سپاه می‌باید همواره به خداوند توجه داشته باشد، از مهم‌ترین مبانی فرماندهی نزد رسول خدا (ص) بود.^{۵۷} رعایت حقوق انسانی از جمله ویژگی‌های فرمانده بود که رسول خدا (ص) بسیار بر آن تأکید داشت. این سخن پیامبر (ص) خطاب به مجاهدان اسلام پیش از سریه‌ها، که «خیانت نورزید، مثلثه نکنید، پیمانی را نشکنید، کهنسالان، کودکان و زنان را نکشید»،^{۵۸} در تاریخچه تحولات فرماندهی جنگ و اخلاق جنگ بسیار گرانبهاست.

۵۶. نک. عمرو، ۲۵۹.

۵۷. نک. حر عاملی، ۴۳/۱۱؛ واقدی، ۵۸/۱-۵۹.

۵۸. نک. حر عاملی، ۴۳/۱۱.

بخش دیگری از آموزه‌های مربوط به اخلاق جنگ، در قالب توصیه‌هایی با الگو قرار دادن رفتار نظامی پیامبر (ص) در آداب‌الحرب‌ها بازتاب یافته است؛ در این متون فرمانده دو وظیفه عمده و مهم برعهده دارد: نخست باید با تمامی رزمندگان با مساوات و برابری رفتار کند و به آنان دلگرمی دهد؛ دوم باید با راهبردها و راهکنش‌های مهم نبرد آشنا باشد. تمامی آداب‌الحرب‌ها معمولاً، با توصیه‌های اخلاقی به فرمانده و سلطان آغاز شده‌اند که ناشی از نگاه دینی نویسندگان این آثار است. از دیگر سو به نظر می‌رسد که این مؤلفان واقعا به تأثیر این توصیه‌ها در پیش‌برد اهداف جنگی و آماده‌سازی هر چه بیشتر رزمندگان اعتقاد داشته‌اند. هرثمی شعرانی اولین باب مختصر سیاست الحروب را با توصیه‌هایی درباره تقوای پیشگی فرمانده و عمل به فرامین خداوند آغاز کرده است.^{۵۹} او در این بخش اولین و مؤثرترین سلاح فرمانده را تقوای الهی دانسته است. تأکید هرثمی بر تأثیر مشیت خداوند در پیروزی یا شکست در جنگ، سیطره دیدگاه و رویکردی است که تا دیرزمانی، حتی تا قرن نهم هجری، بر این‌گونه نگاشته‌ها حاکم بوده است. او فرمانده را ملزم دانسته در هر اقدامی که انجام می‌دهد از خداوند استخاره کند و از نافرمانی و طغیان در برابر او بپرهیزد. این نگاه دین‌باورانه گذشته از آن‌که از امور این‌جهانی و آن‌چه از آن به‌عنوان تدابیر جنگی تعبیر می‌کنیم دور می‌شود، پیامدهای مثبتی در پی دارد. در دیدگاه هرثمی تقوای الهی می‌بایست فرمانده را به سمت بخشایش و ترک انتقام در هنگام پیروزی سوق دهد.^{۶۰} این رویکرد سرانجام به آنجا می‌انجامد که در هر پیروزی و شکستی خداوند فعال مایشاء است و حتی زمانی که کفار و طغیانگران بر مسلمانان پیروز شوند، این نیز حکمت الهی است و خداوند چنین مقدر کرده است.^{۶۱}

۵۹. نک. هرثمی شعرانی، ۱۵.

۶۰. همانجا.

۶۱. همانجا؛ «و أن يستعمل الدعل و حسن السيرة و التفقد للصغير و الكبير مما فيه مصلحة رعيته، و أن يعتمد في كل ما يعمل به في حربه طلب ما عند ربه، عزّ و جل، ليجتمع له به خير الدنيا و الآخرة، فعسى قائل الآن أن يقول: فقد

هرثمی در بخش دوم، توصیه‌های خود به فرمانده را با دیدگاهی اخلاقی بسط داده است. او در این بخش چنین صفاتی را برای فرمانده در نظر گرفته است: دل‌جویی از رزمندگان، برخورد تکریم‌آمیز با آنها، پذیرفتن عذرخواهی آنان، برخورد مهربانانه با مقصر، به‌کاربردن گفتار نرم و آرام در برخورد با رزمندگان و...^{۶۲} هرثمی به نکته‌ای قابل تأمل اشاره کرده و فرمانده را ملزم دانسته که با مهربانی و حسن‌رفتار قلب‌های رزمندگان و جنگجویان را تسخیر کند. اگرچه او در این بخش‌ها به رفتار پیامبر (ص) اشاره نکرده، این‌گونه می‌نماید که توصیه‌های او متأثر از شیوه فرماندهی آن حضرت به‌عنوان نمونه‌ای عملی و نظری است، همان شیوه‌ای که در متون مربوط به جنگ و در مباحث مختلف آن اصل انگاشته شده است.^{۶۳}

در دیگر آداب‌الحرب‌ها نیز، با چنین توصیه‌هایی مواجهیم. در قرن ششم صاحب التذکره الهرویه به‌صورت مختصر در قیاس با توصیه‌های مفصل اخلاقی هرثمی شعرانی به فرمانده جنگ، اشاراتی به این موضوع کرده است. التذکره الهرویه از نمونه آثاری است که افزون بر محتوای آموزشی نظامی، مباحث سیاست‌نامه‌ای^{۶۴} را نیز شامل می‌شود. از این رو نگاه مؤلف دامنه وسیع‌تری را مدنظر قرار داده و روی سخنش با پادشاه به‌عنوان فرد مطلق‌العنان حکومت است. پادشاه و سلطان در این‌گونه آثار به‌مثابه فرمانده قوای جنگی نیز، درنظر گرفته شده است. رویکرد کلی مؤلف با نگاه هرثمی شعرانی مطابقت دارد. در

نرى البغاة الظلمة باهل العدل و الانصاف یظفرون، و نرى الكفرة بالله على اولیاء یصرون، فلیعلم أن ذلك من تقدیر العزیز الحکیم فی خلقه، لما هو اعلم من مکنون غیبیه».

۶۲. همان، ۱۶.

۶۳. برای دیگر صفات اخلاقی فرمانده از نظر هرثمی شعرانی نک. ۱۷-۱۸؛ هم‌چنین، قس طرسوسی، ۲۲۶.

۶۴. این متون در اصل سیاست‌نامه‌هایی‌اند که در آنها و در قیاس با دیگر سیاست‌نامه‌ها به جنگ و مسائل و موضوعات مربوط به آن به‌شکل مفصل و برجسته پرداخته شده است. از مهم‌ترین نمونه‌های این آثار می‌توان به التذکره الهرویه اثر علی‌بن ابوبکر هروی، آداب الحرب و الشجاعة اثر فخر مدبر و آثار الاول فی ترتیب الدول اثر عباسی اشاره کرد.

التذكرة الهروية، مؤلف بر تسخیر قلوب انگشت گذاشته و این گونه آورده است: «سلطان باید با احسان و بخشیدن نعمت‌ها به مردم بر حسب مقام و منزلت و به اندازه اوضاع و احوال آنها دلشان را به دست آورد؛ چراکه دل مردم هم چون پرندگان آسمان است که نمی‌توان آنها را شکار کرد مگر با نصب تله و دام و پاشیدن دانه که وقتی در دام افتادند دیگر امیدی به رهایی ندارند. قلب‌های مردم نیز، هم چون پرندگان در حال پرواز در آسمان است؛ این دل‌ها به دست نمی‌آیند مگر با احسان و نیکی و شاد کردن آنها...»^{۶۵}. توصیه‌هایی از این دست را در متون تعلیمی نظامی با رویکرد مشابه التذكرة الهروية می‌توان یافت؛ اما این مطلب خارج از موضوع نوشتار حاضر است و بررسی مستقلی در این باب (شباهت‌های محتوایی آداب‌الحرب‌ها و سیاست‌نامه‌ها) ضرورت دارد.^{۶۶} آنچه در حوزه اخلاق جنگ درباره فرمانده و توصیه‌های اخلاقی به او در مدنظر است، در آثار ابن‌منکلی دیده می‌شود. بیشتر مباحث او در این باب در کتاب الادلة الرسمية^{۶۷} آمده است. مؤلف در فصل ششم، فرماندهان سپاه را به مدارا و رعایت حقوق رزمندگان ضعیف فراخوانده است.^{۶۸} گفته‌های ابن‌منکلی در این فصل از عمق بیشتری نسبت به محتوای مشابه دیگر آداب‌الحرب‌ها برخوردار است. او برای ارجاع سخن خود در باب لزوم مدارای فرمانده با رزمندگان به حدیثی از پیامبر (ص) استناد کرده که طبق آن حضرت بر لزوم مراعات و مدارا در دین اسلام تأکید دارد.^{۶۹} ابن‌منکلی در ادامه گفتار خود به نکته‌ای مهم اشاره دارد و برای تبیین آن از

۶۵. هروی، ۱۶؛ ترجمه قاندان، ۱۹۱؛ هم‌چنین قس فخر مدبر، ۴۵۲ که در بخشی از فصل سی‌ام اثرش بر اصل تسخیر قلب‌ها توسط سلطان و فرمانده اشاره و به گفته‌ای از رسول خدا (ص) با این محتوا: «جُبلت القلوب علی حب من احسن اليها و بغض علی من اساء اليها» استناد کرده است.

۶۶. برای نمونه نک. فخر مدبر، ۲۸ به بعد؛ عباسی، ۹۹ به بعد.

۶۷. مشخصات کتاب‌شناسی این اثر: ابن‌منکلی، الادلة الرسمية فی التعالی الحربية، تحقیق محمود شیت خطاب، بغداد، مطبعة المجمع العلمي العراقي، ۱۴۰۹/۱۹۸۸م.

۶۸. نک. ۱۶۳.

۶۹. همانجا: «إِنَّ هَذَا الدِّينَ مَتِينٌ، فَوَاغْلُوا فِيهِ بِرَفْقٍ، فَإِنَّ الْمُنْبَتَّ لَا أَرْضًا قَطَعَ وَلَا ظَهْرًا ابْقَى».

نظریه جنگ عادلانه و اخلاق مداری در جنگ در میان مسلمانان (برپایه آداب‌الحرب‌ها) / ۱۱۷

تجربیات شخصی خود سود برده است. به گفته او فرمانده باید با رفتار شایسته خود در قلب رزمندگان نفوذ و آن را تسخیر کند.^{۷۰} این گزاره با بیان‌های مختلفی در دیگر متون تعلیمی نظامی تکرار شده است. تفاوت ابن‌منکلی در بیان این معنا تبیین کارکردها و پیامدهای کاربست این توصیه است. او یکی از پیامدهای مهم و قابل توجه ارتباط صمیمانه و نزدیک حاصل از مهربانی با سربازان را در شناسایی رزمندگان اختلاف‌افکن و مشکل‌ساز از طریق دریافت گزارش‌ها و اطلاعاتی که سربازان در اختیار فرمانده قرار می‌دهند، می‌داند و در ادامه می‌افزاید: «چه بسا اجتماعی را یک شخص برهم زده و از بین برده است. این نکته را من (ابن‌منکلی) به چشم خویشتن دیده‌ام و در تواریخ نیز مثال‌های فراوانی مانند این مورد وجود دارد».^{۷۱} از دیگر توصیه‌های ابن‌منکلی به فرمانده جنگ که با استناد به احادیثی از پیامبر (ص) بیان شده، می‌توان به رعایت حقوق مساوی و برابر میان رزمندگان، نهی سپاهیان از فساد، نهی رزمندگان از زنا اشاره کرد.^{۷۲}

ب. توصیه‌های اخلاقی به رزمندگان. رزمندگان و جنگجویان به‌عنوان بدنه اصلی سپاه بایست به‌گونه‌ای آموزش می‌دیدند که از لحاظ روحی و جسمی برای نبرد آماده شوند. پیداست که آمادگی جسمی آنان از طریق تمرین و کسب مهارت‌های نظامی حاصل^{۷۳} و

۷۰. نک. همان، ۱۶۵.

۷۱. همانجا.

۷۲. همان، ۱۶۶-۱۶۷. درباره موارد مشابه و البته با ارزش کمتر نسبت به گفته‌های ابن‌منکلی نک. محمد الرشیدی، ۵۷.

۷۳. معمولاً آموزش‌های منظمی برای مهارت‌آموزی سربازان و آمادگی آنان برای نبرد در نظر گرفته می‌شد. این تمرین‌ها شامل آماده‌سازی بدنی، کسب مهارت در کاربرد سلاح‌های مختلف و نظایر این بود؛ برای آشنایی با آموزش‌های نظامی در برخی از نواحی جهان اسلام و در میان برخی حکومت‌ها نک. فخرمدبر، ۴۶۷-۴۶۶؛ برنی، ۳۱۹؛ حسن‌زاده کلشانی و جلیلی، ۹۲-۶۳؛

Athar, pp.32-37; Irvine, pp.185-189; Floor, 236-237.

آمادگی روحی و معنوی آنان با توصیه‌های اخلاقی و تهییج به نبرد فراهم می‌شد. نخستین توصیه‌ای که به رزمندگان می‌شد مقدم‌داشتن تقوای الهی و اطاعت از فرامین خداوند و التجا به دعا برای کسب پیروزی بود.^{۷۴} توصیه به تقوا در واقع به‌گونه‌ای رزمندگان را از هراس از جنگ در امان می‌داشت و آنان می‌توانستند با قوت قلب و اطمینان خاطر بیشتر در میدان نبرد حضور یابند. ابن منکلی با تعبیر «العمدة العظمی» و «الفوز الاکبر الاعلی» از تقوا یاد کرده است.^{۷۵}

تشویق به جهاد و ترویج این باور برای رزمندگان که جنگ امری مقدس است، موضوع دیگری است که فرماندهان و متولیان جنگ در قرون میانه اسلامی بر آن تأکید ویژه داشتند. این تأکید سبب شد تا آثار مکتوبی در تمدن اسلامی به این موضوع اختصاص یابد.^{۷۶} تشجیع سربازان به نبرد و برشمردن فضائل متعدد برای شرکت در جنگ‌ها در آثاری که با رویکردی دینی تولید شده است محقق را به سمت این تحلیل سوق می‌دهد که قدسی‌انگاری جنگ در ذهنیت جنگجویان مسلمان قرون میانه اسلامی از آموزش مهارت‌های نظامی و آمادگی جسمی سربازان مهم‌تر بوده است. بن‌مایه و اساس ساخت چنین انگاره‌ای بر قرآن و احادیث نبوی استوار بوده است.^{۷۷} از دیگر توصیه‌های اخلاقی به رزمندگان می‌توان از صبر در میدان نبرد، شجاعت و نهراسیدن از جنگ، فرمانبرداری کامل از فرمانده یاد کرد.^{۷۸}

۷۴. نک. هرثمی شعرانی، ۱۵؛ فخرمدبر، ۴۳۰؛ ابن منکلی، الادلة الرسمية، ۱۴۷؛ همان، التدبیرات السلطانية، ۳۴۰.

۷۵. نک. همان، الادلة الرسمية، ۱۴۸.

۷۶. برای نمونه‌هایی از این دست تألیفات نک. ابن ابی‌عاصم، ۱۲۸ به بعد؛ ابن جماعه، ۳۸ به بعد.

۷۷. نک. همانجاها.

۷۸. نک. ابن منکلی، الادلة الرسمية، ۱۶۸؛ همان، التدبیرات السلطانية، ۳۴۰-۳۴۱؛ محمد الرشیدی، ۵۹.

ج. اصل مشورت. درباره مشورت در فرهنگ اسلامی می‌توان دو رویکرد اصلی را بازشناخت: نخست، رویکردی که طی آن از دیدگاه قرآن و احادیث به موضوع مشورت نگریسته می‌شود و در کنار ضرورت، معنای عام آن، توضیح داده می‌شود. این رویکرد صرفاً مفهوم مشورت را از نظرگاه دینی و با نگاهی فضیلت‌محور، به لحاظ نظری، تبیین می‌کند. رویکرد دوم، به جنبه‌های عملی مشورت می‌پردازد و چگونگی، کیفیت، راه‌کارها، کارکردها و پیامدهای آن را در حوزه‌های مختلف توضیح می‌دهد. متن آداب‌الحرب‌ها یکی از عرصه‌های اصلی پرداختن به مشورت با رویکرد دوم در حوزه نظامی است. بر این اساس به نظر می‌رسد، مؤلفان این آثار تلویحاً برای کنترل خودکامگی سلطان و فرماندهان جنگی در فرماندهی نبرد، مشورت‌کردن را وظیفه‌ای ضروری معرفی کرده‌اند. این سخن بدین معناست که محتملاً آنان از تأکید بر اصل مشورت در قالب توصیه‌ای اخلاقی برای تاختن به خودکامگی بهره برده‌اند. باید به این نکته توجه داشت که بیشتر مؤلفان متون تعلیمی نظامی پیوند نزدیکی با کانون قدرت داشته‌اند؛ از این رو نمی‌توانستند آشکارا از خودکامگی حکمرانان در جنگ انتقاد کنند، ولی با استفاده از تأکید فراوان قرآن و سنت بر مشورت و اهمیت آن، سعی کرده‌اند تا خودرأیی حکمرانان را هدف گرفته، دست‌کم آن را محدود سازند. توصیه به مشورت در آداب‌الحرب‌ها با توجه به موضوع این آثار تنها به جنگ و مسائل و موضوعات آن محدود شده^{۷۹} و دیگر حوزه‌ها را شامل نمی‌شود. هرثمی شعرانی در عنوانی که برای مبحث مشورت انتخاب کرده، از تعبیر «استبداد رأی» استفاده کرده است. این انتخاب بر تأکید او به استفاده از اصل مشورت برای جلوگیری از خودکامگی حکمران و فرمانده صحنه می‌گذارد.^{۸۰}

۷۹. نک. محمد الرشیدی، ۵۰.

۸۰. نک. هرثمی شعرانی، ۲۱.

در اکثر قریب به اتفاق آثاری که در پژوهش حاضر بررسی و مطالعه شده فصل یا فصولی به اصل مشورت اختصاص یافته است^{۸۱} که این خود دلیل دیگری است بر اهمیت و ارزش به کارگیری این توصیه اخلاقی در جنگ.

در بیشتر این متون آموزشی حوزه جنگ توضیح و تبیین اصل مشورت با تأکید بیشتر بر رویکرد دوم دیده می شود. در رویکرد نخست، مؤلفان کوشیده اند تا با دلایل قرآنی و حدیثی، فضیلت مشورت را اثبات کرده، بر لزوم استفاده از آن تأکید ورزند. «و شاورهم فی الامر»^{۸۲} و «و امرهم شوری بینهم»^{۸۳} از آیات پربسامدی است که در این متون برای تبیین اصل مشورت به کار رفته است.^{۸۴} هم چنین تأکید بر احادیثی از پیامبر (ص) در باب مشورت و سیره آن حضرت در مواردی که از اصل مشورت سود جسته، محتوای اصلی این بخش از آثار تعلیمی جنگ را تشکیل می دهد.^{۸۵}

در رویکرد دوم، مؤلفان آداب الحربها به شرایط مشورت و این که حکمران و فرمانده هنگام نبرد باید با چه کسی و با چه ویژگی هایی مشورت کند، پرداخته اند. محتوای هر کدام از این آثار در این باره متفاوت است. هرثمی بحث عمیقی در این خصوص ندارد و فقط تأکید کرده که باید با کسی به شور نشست که حافظ اسرار باشد و باید از مشورت با کسانی که ممکن است همگان را از موضوع مشورت باخبر سازند، پرهیز کرد.^{۸۶} بحث هروی کمی فربه تر می نماید. او ضمن تأکید بر اهمیت مشورت برای حکمران او را ملزم دانسته جلسات مشورتی را جدی بگیرد؛ چرا که در این جلسات می تواند به شناخت درستی از یاران خود

۸۱. علاوه بر هرثمی شعرانی نک. هروی، ۱۳؛ فخر مدبر، ۱۶۴؛ عباسی، ۱۴۸؛ ابن منکلی، الادلة الرسمية، ۱۵۵

به بعد؛ محمد الرشیدی، ۵۰ به بعد.

۸۲. سوره ۳، آیه ۱۵۹.

۸۳. سوره ۴۲، آیه ۳۸.

۸۴. نک. عباسی، ۱۴۸؛ ابن منکلی، همان، ۱۵۵.

۸۵. برای نمونه نک. محمد الرشیدی، ۵۰.

۸۶. هرثمی، ۲۱-۲۲.

نظریه جنگ عادلانه و اخلاق مداری در جنگ در میان مسلمانان (بر پایه آداب الحرب‌ها) ۱۲۱/

دست یابد و بداند که به چه کسانی می‌توان اعتماد کرد و مسائل و موضوعات مهم را با آنان در میان گذارد.^{۸۷} او همانند هرثمی شعرانی بر این اصل که نباید مشورت موجب افشای اسرار نظامی شود، تأکید دارد.

فخر مدبر مهم‌ترین پیامد مشورت را در این دانسته که ممکن است مانع از به‌وقوع پیوستن جنگ شود. پیش‌تر موضع فخر مدبر درباره اصالت صلح بیان شد. او یکی از راهکارهای دست‌یابی به صلح را مشورت دانسته است. فخر مدبر قولی از انوشیروان آورده که بر اساس آن «رأی صواب را بیرون نتوان آورد مگر به مشورت».^{۸۸} مواجهه فخر مدبر با موضوع مشورت با تحلیلی متفاوت از مواجهه دیگر آداب‌الحرب‌نویسان همراه است؛ او مؤلفی است که به صلح توجهی ویژه دارد و در این بخش نیز، بیشتر به قصد تبیین صلح مشورت را مقدمه انعقاد صلح می‌داند. در نظر او استبداد رأی و خودکامگی فرمانده می‌تواند راه‌های کم‌خطرتر و کم‌هزینه‌تر را مسدود و بروز جنگ را اجتناب‌ناپذیر کند. این تحلیل از کارکردهای مشورت در سایر آداب‌الحرب‌ها دیده نمی‌شود.

عباسی در قرن هشتم به تفصیل به اصل مشورت پرداخته، اما تحلیل متفاوتی ارائه نکرده است. او صرفاً، به بایسته‌های مشورت پرداخته و ویژگی‌های شایسته برای طرف مورد مشورت حکمران را برشمرده است.^{۸۹} نکته مشترک میان محتوای اثر عباسی با آثار آداب‌الحرب‌نویسان پیش از او تأکید بر مشورت نکردن با کسی است که منجر به افشای اسرار جنگی شود.

نگاه ابن‌منکلی به اصل مشورت که بیشتر در الادلة الرسمية بازتاب یافته متأثر از اوضاع و احوال زمانه‌ای است که در آن می‌زیست. او ضمن اشاره به مشورت پیامبر (ص) با صفوان بن امیه که از مشرکان بوده چنین رفتاری را برای زمانه خود تجویز نکرده و این‌گونه

۸۷. هروی، ۱۳.

۸۸. فخر مدبر، ۱۶۵.

۸۹. نک. عباسی، ۱۴۸.

اظهار نظر کرده که امروزه (دوره ابن منکلی) مشورت با مشرک، گذشته از آن که اسلام آورده یا بر شرک خود باقی است، شایسته نیست.^{۹۰} سپس نمونه‌ای از این مشورت‌ها با فرد مسیحی تازه مسلمان شده‌ای را بیان کرده است. به گفته او: «شخصی ملعون به نام الطن^{۹۱} اموری را در اختیار یَلْبُغَا^{۹۲} قرار داد و یلبغا بر صحت آنها اطمینان یافت و او را آزاد کرد... و همین الطن کسی بود که به مسیحیان حيله‌هایی را آموخت که با استفاده از آنها توانستند طرابلس را تسخیر کنند».^{۹۳}

به نظر می‌رسد همین رویکرد ابن منکلی و نگرانی او از مشاورانی که ممکن بود جاسوس دشمن باشند سبب شده است تا ویژگی‌های فراوانی برای کسی که مورد مشورت قرار می‌گیرد، بیان کند؛ چنان‌که بیشترین صفات را او برای اهل مشورت ذکر کرده است: "باتقوا باشد؛ ۲. طمع کار نباشد؛ ۳. دوستدار کسی باشد که با او مشورت می‌کند و با صداقت رفتار کند؛ ۴. خویشان دار و خوددار باشد؛ ۵. افشاکننده راز کسی که با وی مشورت کرده است نباشد؛ ۶. مغرور نباشد و...^{۹۴}

محمد الرشیدی، دیگر آداب‌الحرب‌نگار مسلمان، با جمع‌آوری مطالب آثار پیشینیان در باب اصل مشورت در اثر خود بخش‌بندی تازه‌ای در این باب ارائه کرده است. او سه فصل نخست از باب پنجم اثر خود را به مشورت اختصاص داده است. رشیدی در فصل نخست بر اهمیت مشورت تأکید کرده و با آوردن روایاتی به اهمیت مشورت نزد

۹۰. ابن منکلی، الادلة الرسمية، ۱۵۶.

۹۱. یکی از مسیحیانی که اسیر شد و ظاهراً اسلام آورد و مورد اعتماد یلبغا قرار گرفت. او اطلاعاتی از وضعیت مسلمانان را در اختیار مسیحیان قرار می‌داد و در جریان حمله و استیلای مسیحیان بر طرابلس کمک‌های سودمندی به آنان رساند (در این باره نک. طرابلسی، ۱۷۸/۱-۱۷۹؛ سلیمان محمود، ۱۵۶).

۹۲. یلبغا العری الناصری الخاصکی؛ او اتابک سلطان ملک اشرف شعبان بن حسین بود که در سال ۷۷۴هـ به دست ممالیک به قتل رسید (در این باره نک. ابن تغری بردی، ۳۹/۱۱-۴۰).

۹۳. ابن منکلی، الادلة الرسمية، ۱۵۶-۱۵۷.

۹۴. همان، ۱۵۹-۱۶۲.

نظریه جنگ عادلانه و اخلاق مداری در جنگ در میان مسلمانان (بر پایه آداب الحربها) / ۱۲۳

پیامبر (ص) اشاره نموده^{۹۵} و در دو فصل بعدی به برشمردن ویژگی‌ها و صفات اهل مشورت و تأکید بر رعایت اصل عدم افشای اسرار نظامی محرمانه پرداخته است.^{۹۶} به هر روی، محتوای مرتبط با مشورت در متون آموزشی نظامی عموماً مشترک و با رویکردی کارکردی سامان یافته است. با این حال به نظر می‌رسد از نگاه نویسندگان این آثار مشورت، دست‌کم از برخی جنبه‌ها، اصلی اخلاقی تلقی می‌شد که می‌توانسته حکمران و فرمانده را از خودکامگی و اتخاذ تصمیم اشتباه در نبرد بازدارد.

نتیجه

محتوای متون تعلیمی نظامی در قرون میانه تاریخ اسلام، برخلاف آنچه در بدو امر به نظر می‌رسد، صرفاً داده‌های تخصصی در باب شیوه‌ها، مهارت‌ها و آداب جنگیدن را شامل نمی‌شود. در این آثار، در کنار انبوه اطلاعاتی که درباره مسائل و موضوعات پیرامونی جنگ دیده می‌شود، داده‌های ارزشمندی در توجیه اخلاقی چرایی جنگ و چگونگی آن وجود دارد. این داده‌ها امروزه به سبب فریبی و انباشت نظری و عملی تلاش‌های متفکران و جنگاوران به صورت شاخه‌ای مستقل از علم اخلاق با نام اخلاق جنگ درآمده است که می‌توان در این تلاش‌ها سهم قابل ملاحظه‌ای را برای آداب الحرب نویسان مسلمان در نظر گرفت.

اگرچه نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که اخلاق جنگ تصویر شده در منابع حدیثی با اخلاق جنگ حاصل از آداب الحرب‌ها نسبت این‌همانی دارد، توجیهاات و دلایل کاربست بایدها و نبایدهای اخلاقی در متون آموزشی نظامی تا حدی متفاوت است و بر جوانب عملی و پیامدهای ملموس اخلاق جنگ تمرکز دارد.

۹۵. روایت او مربوط است به مشورت پیامبر (ص) در نبرد بدر و خیبر (در این باره نک. ابن‌هشام، ۱۹۲/۲؛ واقفی، ۶۴۳/۲).

۹۶. نک. محمد الرشیدی، ۵۰-۵۶.

بررسی اخلاق جنگ در جهان غرب و از قرن بیستم شکل گرفت. از این رو آن را می‌توان در شکل آکادمیک و نظری آن برخاسته از جهان غیراسلامی انگاشت. این پژوهش پیشینه این نظریه را در جهان اسلام و در متون تخصصی حوزه جنگ جست‌وجو کرده است. در بخش‌هایی از آداب‌الحرب‌های اسلامی به قواعد یا توافقاتی پرداخته شده که در جنگ‌های گوناگون در قرون میانه اسلامی معمول بوده است. این مجموعه را می‌توان به‌عنوان وجه تاریخی نظریه جنگ عادلانه یا سنت جنگ عادلانه تلقی کرد و به‌نوعی آن را سابقه آشنایی مسلمانان با مفاهیمی نزدیک به جنگ عادلانه انگاشت.

چارچوب مفهومی آن‌چه امروزه نظریه جنگ عادلانه خوانده می‌شود و در قرون جدید صورت‌بندی شده است، با ساختار کلی عدالت در آغاز جنگ، عدالت در حین جنگ و عدالت در دوران پس از جنگ، مواردی هم‌چون ارجحیت صلح بر جنگ، دلیل درست برای آغاز جنگ، آخرین گزینه‌بودن جنگ، وجود احتمال معقول پیروزی و تناسب میان هدف و ابزار جنگی، رعایت اصول اخلاقی در مواجهه با غیرنظامیان، اسیران، مغلوبان و... در آداب‌الحرب‌ها به‌صورت پراکنده و نامنظم دیده می‌شود. روح حاکم بر اخلاق جنگ برخاسته از این متون با نظریه مدرن جنگ عادلانه تا حد قابل ملاحظه‌ای هم‌خوانی دارد.

کتابشناسی

ابن ابی‌عاصم، السبیل الی تخریج احادیث کتاب الجهاد، تحقیق و مقدمه ابو‌عبدالرحمن مساعدین سلیمان الراشد الحمید، دمشق، دارالقلم، ۱۴۰۹/هـ/۱۹۸۹م.

ابن تغری بردی، جمال‌الدین ابوالمحاسن، النجوم الزاهرة فی ملوک مصر و القاهرة، القاهرة، ۱۳۴۸هـ. ابن‌جماعة، مختصر فی فضل الجهاد، تحقیق اسامة ناصر النقشبندی، دمشق، دارالوثائق، ۱۴۲۸/هـ/۲۰۰۸م.

ابن‌کثیر، ابوالفداء اسماعیل بن‌عمر، البداية و النهایة، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۷هـ. ابن‌منکلی، «التدبیرات السلطانية فی سياسة الصناعة الحربية»، تحقیق صادق محمود الجمیلی، المورد، شماره ۴۸، زمستان ۱۳۶۲ش.

نظریه جنگ عادلانه و اخلاق مداری در جنگ در میان مسلمانان (بر پایه آداب الحربها) / ۱۲۵

همو، الأدلة الرسمية في التعاليم الحربية، تحقيق محمود شيت خطاب، بغداد، مطبعة المجمع العلمي العراقي، ۱۴۰۹هـ/۱۹۸۸م.

ابن هشام، السيرة النبوية، تحقيق مصطفى السقا، دمشق، دارالخير، بی تا.
ابی یعلی الفراء، محمد بن الحسین، الاحکام السلطانية، چاپ محمد حامد الفقی، بیروت، لبنان، دارالکتب العلمية، ۱۴۲۱هـ/۲۰۰۰م.

باقری، سمیه و محمدی بخش، لیل، «اخلاق نظامی پیامبر (ص) در جنگ»، بصیرت و تربیت اسلامی، سال دهم، شماره ۲۶، پاییز ۱۳۹۲.

برزونی، محمدعلی، «اسلام، اصالت جنگ یا اصالت صلح؟»، مجله حقوقی بین المللی، شماره ۳۳، پاییز و زمستان ۱۳۸۴.

برنی، ضیاء الدین، تاریخ فیروزشاهی، کلکته، ۱۸۶۲م.
ثعالبی، ابی منصور عبدالملک بن محمد بن اسماعیل، آداب الملوک، چاپ جلیل العطیة، بیروت، لبنان، دارالغرب الاسلامی، ۱۹۹۰م.

جاحظ، کتاب التاج، چاپ احمد زکی باشا، قاهرة، مطبعة الاميرية، ۱۳۳۲هـ/۱۹۱۴م.
حاج اسماعیلی، محمدرضا و حبیب اللهی، مهدی، «بررسی و تحلیل نظری اخلاق جنگ در قرآن و حدیث»، پژوهش نامه اخلاق، سال پنجم، شماره ۱۵، بهار ۱۳۹۱.

حر عاملی، وسائل الشیعة، بیروت، مکتبه الاسلام، بی تا.
حسن زاده کلشانی، جعفر و جلیلی، مهدی، «طباق آموزشدهنده های نظامی دولت ممالیک»، تاریخ و تمدن اسلامی، شماره ۲۱، بهار و تابستان ۱۳۹۴.

حلی، محمد بن منصور بن احمد، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۰هـ.

حلی، نجم الدین جعفر بن حسن، شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، قم، موسسه اسماعیلیان، ۱۴۰۸هـ.

خواجه نظام الملک، سیاستنامه، چاپ جعفر شعار، تهران، شرکت سهامی کتابهای جیبی، ۱۳۷۵ش.
سلیمان محمود، حسن، لبیب بین الماضي و الحاضر، قاهرة، ۱۹۶۲م.

شیزری، عبدالرحمن بن نصر بن عبدالله، النهج المسلوک فی سیاست الملوک، چاپ محمد احمد دمخ، بیروت، لبنان، دارالمنال، ۱۹۹۴م.

طرابلسی، احمد نائب الانصاری، المنهل العذب فی تاریخ طرابلس الغرب، بی جا، بی تا.

۱۲۶ / تاریخ و تمدن اسلامی، سال چهاردهم، شماره بیست و هفتم، بهار و تابستان ۱۳۹۷

- طرسوسی، مرضی بن علی بن مرضی، موسوعة الاسلحة القديمة الموسوم تبصرة ارباب الالباب في كيفية النجاة في الحروب من الانواء و نشر اعلام الاعلام في العدد و الآلات المعنية على لقاء الاعداء، تحقيق كارين صادر، بيروت، دارصادر، ۱۹۹۸م.
- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، المبسوط في فقه الامامية، تهران، المكتبة المرتضوية، ۱۳۸۷هـ.
- همو، النهاية في مجرد الفقه و الفتاوى، بيروت، دارالكتاب العربي، ۱۴۰۰هـ.
- عباسی، حسن بن عبدالله، آثار الاول في ترتيب الدول، تحقيق عبدالرحمن عميرة، بيروت، دارالجیل، ۱۴۰۹هـ/۱۹۸۹م.
- عمرو، عبدالله بن محمد، «المنهج في رعاية القادة في عهد النبوی و عهد الخلافة الراشدة»، جامعة الامام محمد بن سعود الاسلامية، العدد ۵۲، شوال ۱۴۲۶.
- فخر مدبر، محمد بن منصور بن سعید، آداب الحرب و الشجاعة، به سعی و اهتمام احمد سهيلي خوانساری، تهران، اقبال، ۱۳۴۶ش.
- فروشانی، نعمت الله، «درآمدی بر صلح نامه های مسلمانان با ایرانیان در آغاز فتح ایران»، تاریخ اسلام، شماره ۷۰۲، تابستان ۱۳۷۹.
- الفياض، زياد محمود و عبدالغني، عارف احمد، تحقيق و مقدمة بغية المرام و غاية الغرام في رمي السهام، دمشق، دار كنان للنشر و التوزيع، ۱۴۳۱هـ/۲۰۱۰م.
- قابوس بن شمسگير، قابوسنامه، چاپ غلامحسين يوسفی، تهران، ۱۳۵۲ش.
- قاندان، اصغر، «ترجمه رساله التذكرة الهروية في فنون الحربية»، فصلنامه تاريخ اسلام، سال هفتم، شماره مسلسل ۲۵، بهار ۱۳۸۵.
- کلينی، محمد بن يعقوب، الكافي، تهران، دارالکتب الاسلاميه، ۱۳۶۵ش.
- ماوردي، ابوالحسن علي بن محمد بن حبيب، الاحكام السلطانية و الولايات الدينية، تحقيق احمد مبارك البغدادي، كويت، جامعة الكويت، ۱۴۰۹هـ/۱۹۸۹م.
- محللاتی، محمد جعفر، «اخلاق جنگ در متون ادبی و حماسی فارسی»، پژوهشنامه ادب حماسی، سال دوم، شماره ۳، زمستان ۱۳۸۵.
- محمد الرشیدی، محمد، تفريغ الكروب في تدبير الحروب، تحقيق عارف احمد عبدالغني، دمشق، دار كنان للطباعة و النشر و التوزيع، ۱۴۱۵هـ/۱۹۹۵م.
- مدیری، محمد، «نقد و بررسی کتاب آداب الحرب و الشجاعة»، تاریخ پژوهی، سال چهارم، شماره ۱۳ و ۱۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۱.

نظریه جنگ عادلانه و اخلاق مداری در جنگ در میان مسلمانان (بر پایه آداب الحربها) / ۱۲۷

مقریزی، احمد بن علی، السلوک لمعرفة دول الملوك، چاپ محمد عبدالقادر عطا، بیروت، ۱۴۱۸هـ/۱۹۹۷م.

موزلی، الگزاندر، «نظریه جنگ عادلانه»، ترجمه خشایار دیهیمی، مهرنامه، پاییز ۱۳۹۱.
میرشریفی، علی، سرنوشت اسیر در اسلام بررسی تاریخی فقهی جنگ، اسارت، بردگی، تهران، سمت، ۱۳۹۵ش.

نوبین، حسین، «نگاهی به کتاب آداب الحرب و الشجاعة نوشته مبارک شاه، آیین و فرهنگ مقاومت ایرانی»، کیهان فرهنگی، شماره ۱۹۸، فروردین ۱۳۸۲.

واقدی، ابی عبدالله محمد بن عمر، فتوح الشام، تحقیق عبداللطیف عبدالرحمن، بیروت، لبنان، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۷هـ/۱۹۹۷م.

هرثمی شعرانی، مختصر سياسة الحروب، تحقیق عبدالرووف عون، بی جا، المؤسسة المصرية العامة للتالیف و الترجمة و الطباعة و النشر، بی تا.

الهروی، علی بن ابی بکر، التذكرة الهروية فی الحیل الحربية، بی جا، مكتبة الثقافة الدينية، بی تا.

Athar, Ali, *Military Technology and Warfare in the Sultanate of Delhi*, Delhi, 2006.

Floor, Willem, *Safavid Government Institutions*, Mazda Publishers, 2001.

Irvine, Willam, *The Army of the Indian Moghuls: its Organization and Administration*, London, 1903.

Orend, Brian, *War Ethics*, Standford University Enclopedia of Philosophy, 2005.

Walzer, M, and D. Miller, *Pluralism, Justice and Equality*, Oxford, 1995.